

حکومت الکترونیک و نقش آن در مبارزه با فساد اداری

(مطالعه موردی: افغانستان)

نگارنده: انجینیر محمد عابد انور^۱

چکیده

فساد اداری، یکی از معضلات بزرگ افغانستان در راه توسعه و تعالی می‌باشد؛ چنان‌که از نگاه سازمان جهانی شفافیت، افغانستان از کشورهای دارای فساد اداری بالا به‌شمار می‌رود (سازمان جهانی شفافیت؛ ۱۳۹۹). فساد اداری یک تحدید بارز در برابر اهداف عمومی، توسعه کشور و تطبیق پلان‌های برنامه‌ریزی‌شده می‌باشد.

ایجاد سیستم مالیاتی الکترونیک، سند تابعیت الکترونیک و از قبیل این سیستم‌ها، تلاش و بهره‌گیری حکومت افغانستان را از تکنالوژی و تطبیق حکومت الکترونیک نشان می‌دهد. حکومت الکترونیک در افغانستان باوجود عمر کوتاه آن، توانسته نشان‌دهنده عزم حکومت برای مبارزه با پدیده فساد اداری باشد. هرچند دست‌آوردها در ابتدا کوچک به‌نظر برسد؛ اما همین گام‌های ابتدایی خود می‌تواند راهرو انقلاب‌ها و جهش‌های بزرگ در افغانستان باشد.

هدف این تحقیق تحلیلی – توصیفی، که با ابزار کتاب‌خانه‌یی شکل گرفته، آن بوده است تا به این پرسش پاسخ بدهد که: حکومت الکترونیک در کاهش فساد اداری در افغانستان، چه نقشی داشته است؟

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که: هرچند تطبیق حکومت الکترونیک در کشورهای توسعه‌یافته توانسته موفق باشد و در محو فساد کارا باشد؛ اما مغلق‌بودن شرایط افغانستان در تمام جوانب سیاسی، جغرافیایی، فرهنگی،... این روش حکومت‌داری را نیز با چالش‌های فراوانی مواجه ساخته و حتا در مواردی خود باعث افزایش فساد اداری گردیده است.

واژه‌گان کلیدی: حکومت الکترونیک، فساد اداری، افغانستان و سازمان

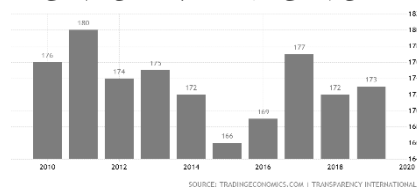
جهانی شفافیت.

مقدمه

فساد اداری، موضوعی است که امروزه دامن گیر بسیاری از حکومت‌ها، ملت‌ها و سازمان‌ها گردیده، یکی از مهم‌ترین مشکلاتی است که اکثر جوامع با آن روبه‌رویند. تجربه نشان داده است، تا زمانی که ملاحظات ساختاری و سازمانی در یک جامعه وجود دارد و نهادهای مردمی مناسب شکل نگرفته باشند، نمی‌توان تغییر چندانی را در حوزه مبارزه با فساد شاهد بود (صالحی و زرنیدی؛ ۱۳۹۲: ۲۸). فساد حکومتی را می‌توان یکی از اصلی‌ترین زمینه‌ها و گلوگاه‌های فساد اقتصادی دانست، که خود ریشه در مداخله حکومت در پروسه‌های اقتصادی و توزیع منابع بین گروه‌های مختلف دارد؛ چنان‌که بسیاری از صاحب‌نظران نیز بر همین عقیده‌اند، که کارپردازی‌های حکومتی یکی از مخاطره‌آمیزترین فعالیت‌های اقتصادی حکومت و زمینه‌ساز بروز فسادهای گسترده در دستگاه‌های اجرایی حکومت می‌باشد (دعایی و رضانی؛ ۱۳۸۸: ۲۵).

مبارزه با فساد اداری، یکی از چالش‌های عمده ممالک در دهه حاضر می‌باشد. در این دهه کشورهای پیش‌رفته و در حال توسعه از این ناحیه بسیار متضرر شده‌اند؛ از طرفی دیگر، فساد اداری به یک تهدید بالقوه در برابر رسیدن به اهداف عمومی، توسعه کشور، تعویق پروژه‌ها و برنامه‌ها و کمک به شگوفایی کشورها و توسعه اقتصادی آن در این زمان بحرانی گردیده است. داشتن شفافیت در امور حکومت‌داری و مبارزه با فساد تنها منحصر به ممالک غربی نمی‌باشد. ضرورت به مبارزه با فساد در کشورهای در حال توسعه یک ضرورت مبرهن است. افغانستان نیز یکی از ممالک در حال توسعه بعد از سقوط حکومت طالبان و روی کارآمدن اداره جدید در این کشور می‌باشد.

فساد اداری از جمله پدیده‌هایی است که متأسفانه نمونه‌های آن در کشور ما نیز دیده می‌شود. فساد اداری هم در بخش حکومتی و هم در بخش خصوصی کشور مان قابل مشاهده است. متأسفانه بر اساس آمار و شواهد موجود داخلی و بین‌المللی، افغانستان یکی از فسادپذیرترین کشورهای جهان است (سازمان جهانی شفافیت؛ ۱۳۹۹). براساس آمار سازمان شفافیت جهانی، افغانستان در یک دهه اخیر در جمله کشورهای دارای فساد اداری زیاد در جهان بوده است. تنها سه کشور سومالیا، سودان جنوبی و سوریه از این حیث از افغانستان پیشی گرفته‌اند (سازمان جهانی شفافیت؛ ۱۳۹۹).



شکل ۱: سازمان شفافیت جهانی - مقام افغانستان در فساد اداری

این در حالی است، که شاید کم‌تر کشوری در دنیا یافت شود، که به اندازه افغانستان بر مبارزه علیه فساد اداری تأکید کرده و توجه سیاست‌مداران و تصمیم‌سازان را به خود جلب کرده باشد؛ اگرچه در افغانستان برنامه‌های زیادی برای مبارزه با فساد، طراحی و به اجرا درآمده؛ اما در این رابطه موفقیت اندکی حاصل شده است، که می‌توان دلیل اصلی آن را این چنین بیان کرد که: برنامه‌های صورت گرفته از سوی حکومت، غالباً بر روی تنبیه و مجازات متخلفان متمرکز بوده است، به جای آن که بر پیش‌گیری از بروز فساد تأکید داشته باشد.

هرچند تنبیه و مجازات پس از وقوع فساد عاملی بازدارنده در جهت پیش‌گیری از فساد اداری مجدد محسوب می‌شوند؛ اما به‌ترین اقدامات پیش‌گیرانه مبتنی بر ساختارهایی هستند، که احتمال بروز تخلفات اداری را کاهش می‌دهند. با توجه به دسته‌بندی‌های فساد در بخش حکومتی به نظر می‌رسد رخداد فساد در امور و فعالیت‌های اقتصادی حکومتی بیش‌تر از دیگر بخش‌ها به وقوع پیوسته است.

در باب اهمیت و ضرورت تحقیق باید بیان داشت که: افغانستان کشوری است در حال توسعه و در عین حال آغشته با فساد اداری در سکتور حکومتی و خصوصی، و از جانب دیگر یک کشور متکی به کمک‌های مالی کشورهای دیگر، که برای بقا و پیش‌برد امور خود نیاز به کمک‌های مالی دیگر کشورها دارد. گسترش فساد اداری به‌خصوص در بخش حکومتی، ادامه چنین کمک‌ها را با خطر مواجه خواهد ساخت. از تحقیق کنونی می‌توان به حیث راه‌نما برای سایر محققان در زمینه تأثیرات حکومت الکترونیک بر شفافیت و مبارزه با فساد اداری کار گرفت. این تحقیق سعی دارد، تا نقش حکومت‌داری الکترونیک را در مبارزه با فساد اداری، با مطالعه موردی افغانستان مورد بررسی و مطالعه قرار داده و بیان دارد که حکومت الکترونیک در از بین بردن و کم کردن فساد در ادارات تا چه حد می‌تواند کارا و مؤثر باشد.

در مورد پیشینه تحقیق به دو اثر ارزش‌مند از میان چندین منبع معتبر، که از آن‌ها به حیث سرچشمه نیز در این تحقیق کار گرفته شده است اشاره کرد، که تا حدودی به مبحث مبارزه با فساد اداری و نقش حکومت الکترونیک در زمینه به بحث پرداخته اند:

«نقش حکومت الکترونیک در مبارزه با فساد اداری: مطالعه موردی افغانستان»، تحقیق سید مصطفی نوری (نوری؛ ۱۳۹۸: ۱)، به بررسی موضوع پرداخته و بعد از سال ۲۰۰۱ فساد اداری را دومین عامل باز دارنده پیش‌رفت و بازسازی افغانستان بعد از تجارت و قاچاق مواد مخدر بیان کرده است. وی بیان نموده در زمینه مبارزه با فساد اداری و محو آن از جانب حکومت افغانستان و شرکای بین‌المللی آن کارها و پروژه‌های متعددی تطبیق گردیده است، تا بتوانند فساد اداری را به حداقل ممکن آن برسانند؛ باوجود تحقیقات انجام‌شده در بسیاری ممالک در زمینه مبارزه با فساد اداری و

نقش حکومت الکترونیک در کنترل آن، اما مغلق بودن جغرافیا، فرهنگ، روابط، سیاست، وضعیت... افغانستان، به کارگیری و تطبیق این روش‌ها را با شکست مواجه نموده است؛ از جانبی نیز ارائه یک الگوی کارا برای افغانستان و تطبیق حکومت الکترونیک با وجود فرهنگ ضعیف، نبود متخصصان، نبود تکنالوژی و سرمایه مناسب کار دشواری به نظر می‌رسد؛ از سوی دیگر، نبود ظرفیت‌های کافی در افغانستان و تطبیق عجولانه حکومت الکترونیک خود باعث ازدیاد فساد در بخش‌های جرم‌های شبکه‌یی، مواد مخدر و فرار مالیاتی در بخش گمرکات و واردات و صادرات کالاها گردیده است. هم‌چنان بیان می‌دارد، که به علت گسترش فساد اداری در افغانستان و رشیه‌دار بودن موضوع لازم است تا در زمینه ایجاد و تطبیق حکومت الکترونیک تحقیقات و سرمایه‌گذاری عمیق و گسترده صورت پذیرد، تا بتوان حکومت الکترونیک را به صورت درست و مناسب در افغانستان تطبیق نمود.

«نقش حکومت الکترونیک در مبارزه با فساد اداری در سکتور عمومی در یمن»، تحقیق اخلاص اشراف الحمادی (الحمادی؛ ۱۳۹۷: ۶)، در تحقیق خود با ۳۷۰ کارمند حکومت، که در بخشی از حکومت با تکنالوژی مرتبط با حکومت الکترونیک کار می‌کنند و ۱۲۰ شهروند، که از خدمات الکترونیک حکومت بهره برده‌اند، بیان داشته‌اند، که حکومت الکترونیک و استفاده از تکنالوژی توانسته عامل بازدارنده فساد اداری باشد. وی نتایج تحقیق خود را این گونه خلاصه نموده است:

۱. حکومت الکترونیک باعث کاهش فساد اداری شده است؛
 ۲. حکومت الکترونیک باعث کاهش اخذ تحفه از جانب کارمندان شده است؛
 ۳. حکومت الکترونیک باعث کاهش سوء استفاده مقام اداری شده است؛
 ۴. حکومت الکترونیک باعث افزایش احترام و تطبیق قانون شده است؛
 ۵. حکومت الکترونیک باعث کاهش حزب‌گرایی شده است؛
 ۶. حکومت الکترونیک باعث کاهش آزار طبقاتی شده است؛
 ۷. حکومت الکترونیک باعث کاهش درخواست رشوه شده است.
- در این تحقیق، با بررسی کارهای انجام‌شده در کشورهای همانند افغانستان، که مشترکات فرهنگی، جغرافیایی،... دارند، موفقیت آن‌ها در تطبیق حکومت الکترونیک و محو فساد بررسی خواهد گردید، که آیا افغانستان نیز می‌تواند همین روش‌ها را برای تطبیق حکومت الکترونیک و محو فساد دنبال نماید؟ این تمایز عمده تحقیق کنونی با تحقیق فوق می‌باشد.

هدف اصلی این تحقیق، بررسی نقش حکومت الکترونیک در کاهش فساد اداری، مطالعه موردی افغانستان می‌باشد؛ از این طریق خواهیم دانست که: تطبیق هرچند ناقص حکومت الکترونیک در افغانستان تا چه حد توانسته در کاهش فساد اداری مؤثر باشد و توانسته قناعت شرکای بین‌المللی خود را برای جلب کمک‌های بیش‌تر فراهم سازد.

سؤالی که در این جا مطرح می‌شود، این است که: حکومت الکترونیک و تطبیق آن در افغانستان تا چه میزان توانسته است در کم کردن و محو فساد اداری موفق باشد؟ و آیا نقش آن در این پروسه موفق بوده است. در پاسخ موقت به این سؤال می‌توان گفت: هرچند تطبیق حکومت الکترونیک در کشورهای توسعه یافته توانسته موفق باشد و در محو فساد کارا باشد؛ اما مغلق بودن شرایط افغانستان در تمام جوانب سیاسی، جغرافیایی، فرهنگی...، این روش حکومت‌داری را نیز با چالش‌های فراوانی مواجه ساخته و حتا در مواردی خود باعث افزایش فساد اداری گردیده است. اطلاعات مورد نظر این تحقیق با توجه به شرایط آن تحقیق کتابخانه‌یی بوده و با توجه به ماهیت موضوع و متغیرهای آن، تحقیق تحلیلی-توصیفی می‌باشد.

حکومت الکترونیک چیست

به انگلیسی (electronic government): به استفاده از تکنالوژی برای تحقق سیاست‌های نظام اداری اطلاق می‌شود (پوراسماعیل و هم‌کاران؛ ۱۳۹۸: ۴۷). برای تحقق این سیاست‌ها حکومت‌ها از تکنالوژی برای جابه‌جایی اطلاعات بین مردم، سازمان‌ها، بازار و ارکان دیگر حکومتی استفاده می‌کنند. حکومت الکترونیک ممکن است توسط قوه مقننه، قوه قضائیه یا قوه مجریه به کار برده شود، تا بهره‌وری داخلی را بهبود بخشد، خدمات عمومی را ارائه دهد یا روندهای حکومتی مردم‌گرا را برای مردم فراهم کند.

حکومت الکترونیکی هم‌چنین به عنوان یک حوزه مطالعاتی از سوی محققان صورت‌بندی شده است. حوزه مطالعاتی حکومت الکترونیکی دارای دو دسته نظریات بومی و وارداتی است. نظریات وارداتی نظریاتی هستند که خارج از زمینه حکومت الکترونیکی شکل گرفته‌اند؛ مانند نظریه کنش‌گر شبکه و ساختیابی که برای حوزه مطالعاتی غیر از مطالعات حکومت الکترونیکی توسعه پیدا کرده‌اند؛ اما توسط محققان برای مطالعات حکومت الکترونیکی نیز استفاده می‌شوند. نظریات بومی نظریاتی هستند که در داخل حوزه حکومت الکترونیکی شکل گرفته‌اند و به دیگر حوزه‌های مطالعاتی گسترش داده شده‌اند؛ مانند نظریات شفافیت و نظریات اطلاعاتی‌سازی (رجبی؛ ۱۳۹۵: ۱۳).

تاریخچه حکومت الکترونیک

هنگامی که وزارت دفاع امریکا در دهه ۱۹۶۰ اینترنت را به عنوان شبکه ارتباطی برای دفاع از اهداف تحقیقی ابداع کرد، هیچ‌کس در آن زمان تصور نمی‌کرد که اینترنت چه‌گونه خواهد توانست در آینده، جوامع را متحول کند. در دهه ۱۹۸۰ که کمپیوترهای شخصی ارائه گردید، مدیران را با یک سیستم تکنالوژی شخصی مواجه کرد؛ بنابراین، یک دوره جدیدی از کاربری تکنالوژی در سازمان‌ها

به وجود آمد. از این موقع به بعد، مدیریت اطلاعات در سازمان‌های حکومتی و خصوصی نا متمرکز گردید (Yildiz; 2007: 647).

قبل از ظهور اینترنت و قبل از دهه ۱۹۸۰، بعضی سازمان‌ها از تکنالوژی برای به‌بود اثربخشی فعالیت‌ها و ارتقای ارتباطات داخلی بهره می‌بردند. ورود اینترنت و شبکه گسترده جهانی سرآغازی در کاربرد تکنالوژی از طریق تغییر کانون حکمرانی به ارتباطات خارجی با مشتریان و ذی‌نفعان انجامید. انفجار رشد استفاده از اینترنت و سرعت رشد و توسعه تجاری الکترونیک از سوی بخش خصوصی فشار را بر روی سایر سازمان‌ها و بخش خصوصی آورد تا خدمات را به مشتریان به‌صورت الکترونیکی ارائه کنند.

تکنالوژی پست الکترونیکی از اواسط دهه ۱۹۸۰ به منظور توسعه شبکه گسترده جهانی و همچنین در اوایل دهه ۱۹۹۰ فناوری جست‌وجوی وب ایجاد گردید. اینترنت به تدریج در دهه ۱۹۹۰، تبدیل به کارایی هزینه و سهل‌الوصول برای سازمان‌ها به منظور ارتباط مستقیم با مشتریان و ارائه حجم بالای اطلاعات به مردم گردید (Stauffacher; 2002: 8).

روند ایجاد حکومت الکترونیک بدین صورت بوده است، که در طول نیمه دوم دهه ۱۹۹۰، بخش خصوصی امریکا مسؤول خلق خدمات الکترونیکی شد. وجود تکنالوژی وب (WEB)، به برانگیختن برخی اقدامات تجاری در شرکت‌ها منجر گشت. لذا نتایج خوب و قابل اندازه‌گیری از این اقدامات حاصل شد. مهم‌تر از آن، این بود که کارکنان هرچه بیش‌تر اثربخش شدند به‌طوری که در بازدهی کاری آن‌ها افزایش قابل ملاحظه‌ای پدید آمد؛ برای مثال، در سال ۱۹۹۹، میان‌گین بازده کاری هر ساعت فرد، پنج درصد افزایش پیدا کرد (محمدی مقدم؛ ۱۳۹۴: ۶۸)؛ لذا بدین طریق، بذره‌های کارایی به‌واسطه به کارگیری این‌چنین تکنالوژی‌ها پاشیده شد؛ لذا تکنالوژی وب به تغییراتی در شغل، شاغل و ارتباطات منجر شد.

زمانی که تکنالوژی وب در اکثر بخش‌های خصوصی به کار گرفته شد، حکومت از این بابت عقب مانده بود؛ لذا توجه حکومت به این مسأله معطوف گشت، که ارائه خدمات به شهروندان به‌صورت الکترونیک بسیار ساده‌تر خواهد بود. در نتیجه وینتون سرف (VINTON CERF) که به‌عنوان یکی از پدرکلان‌های اینترنت مشهور است، این پیش‌نهاد را به رهبران حکومتی داد که «لطفاً از تکنالوژی استفاده کنید. اجازه دهید که خدمات تان، بیش‌تر در دسترس باشد. همچنین، هرگز از فناوری وب نترسید؛ اما هم‌واره برای آن برنامه‌ریزی کنید»؛ لذا شهر گولدن به این نیاز استراتژیک پی برد و در جنوری ۲۰۰۱، برنامه‌ریزی استراتژیک را برای حکومت الکترونیک تدوین کردند (رضایی؛ ۱۳۹۷: ۱).

عوامل به وجود آورنده حکومت الکترونیک

ضرورت به حکومت الکترونیک، عوامل متعددی دارد، که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از (جلالی فراهانی؛ ۱۳۸۰: ۶۳):

۱. خواست مردم/ رشد انتظارات عمومی

در این مرحله، سؤال اساسی آن است که مردم از حکومت الکترونیک چه انتظاری دارند؟ آن‌چه مردم واقعاً از حکومت الکترونیک انتظار دارند، ارتباط به‌تر و ساده‌تر با خدماتی است، که نیازهای آن‌ها را برآورده سازد. آن‌ها می‌خواهند که حکومت‌ها نسبت به خواست‌شان بیش‌تر پاسخ‌گو باشند و انجام امور و تعاملات میان آن‌ها را به‌بود بخشد؛ از جانبی نیز رشد ارتباطات الکترونیک و سهولت‌ها آن باعث بلند رفتن انتظارات مردم در این زمینه گردیده است.

۲. نسل جوان

برای نسل جدید و جوان مدیران سازمان‌ها، باید پیش‌تازان جوانی باشند، که صفحه کلیدها و ارتباطات بی‌سیم، بخشی از ابزار ارتباطی‌شان محسوب می‌شود، حکومت الکترونیک و ارائه خدمات به شکل الکترونیک آن یکی از خواست‌های مبرهن این نسل به‌شمار می‌رود.

۳. صرفه‌جویی در هزینه‌ها

حکومت الکترونیک، اگر به خوبی پیاده شود، به معنای کارآمدتر با هزینه‌ی کم‌تر برای مردم است. خدمات الکترونیک، هزینه تعاملات میان مردم و حکومت و نیز میان سطوح مختلف سازمانی را کاهش می‌دهد. تجربیات سال‌های اخیر نشان داده است که دسترسی مردم به اطلاعات حکومتی از طریق شبکه، هزینه حکومت را برای اطلاع‌رسانی به‌طور قابل توجهی کاهش داده است. با تأمین دسترسی عمومی الکترونیک و خدمات پیوسته، به‌عنوان اهداف عمومی، حکومت‌ها توانسته‌اند کار قراردادن اطلاعات به‌صورت پیوسته در شبکه‌های خانه‌گی، فضای خدمت‌رسان، طراحی وب، پای‌گاه اطلاعاتی و غیره را با هزینه‌ی کم‌تر، انجام دهند. حکومت‌ها می‌توانند خدمت را به مراجعان با به‌کارگیری ابتکارهای خدماتی به‌بود بخشند. این ابتکارها می‌توانند سرمایه‌های زیادی را از طریق صرفه‌جویی ناشی از کاهش بروکراسی اداری اضافی، ایجاد نمایند.

۴. رشد تکنالوژی

رشد روزبه‌روز تکنالوژی و به تبع آن سهولت‌های به‌وجود آمده از این رشد، فشار را بالای حکومت‌ها برای ایجاد تسهیلات و ارائه خدمات سریع و معیاری برای جلب نظر مالیه‌دهنده‌گان ایجاد نموده است. امروزه تکنالوژی در تمام زمینه‌ها برای خدمات آسان و سریع راه حل‌های آسان و منطقی را پیش کش می‌نماید.

۵. سرمایه‌گذاری سازمان‌های اقتصادی بخش خصوصی در سکتور تکنالوژی

اصلی ترین عامل به وجود آورنده حکومت الکترونیک، چنان که در تاریخچه نیز بیان گردید، سرمایه گذاری سکتور خصوصی در بخش ارائه خدمات به صورت الکترونیک بود. این سرمایه گذاری و رشد اقتصادی سریع سکتور خصوصی دولت ها را وادار نمود تا در زمینه ابتدا قوانین را وضع نمایند، و در قدم بعدی خود آن ها ناگزیر برای سیستماتیک ساختن و واکنش درست به روی داده ها ارائه خدمات را به شکل الکترونیک آن آغاز نمایند.

عمر رشد استفاده از اینترنت و عادت کردن مردم به استفاده از آن بعد از همه گانی شدن شبکه جهانی وب (اینترنت)، و دسترسی و سهولت انتقال اطلاعات بین افراد، سازمان ها و دولت ها، استفاده از چنین تکنالوژی در مقاصد خدمت رسانی در سکتور عمومی روز به روز یک ضرورت عینی احساس می شود. به صراحت می توان بیان نمود امروزه وسعت استفاده از اینترنت در تمام دنیا یک امر انکار نشدنی است و این امر خود دولت ها را به استفاده از آن در سیاست گذاری و ارائه خدمات وادار نموده است.

۷. جهانی شدن

دنیا دیگر مانند یک ده کده کوچک شده، که فواصل فیزیکی دیگر معنای خاصی ندارد. حکومت ها نه تنها برای شهروندان خود، بل که برای سایر کشورها نیز خدمات ارائه می کنند؛ چون این امر برای کشور شان یک منبع کسب عواید محسوب می شود؛ دیگر هیچ کشوری تنها برای خود و شهروندان خود خدمات ارائه نمی دهد و در حد ممکن برای دیگر کشورها نیز آن را انجام می دهد. شبکه جهانی وب برای تمامی حکومت ها فرصت ارائه خدمات جهانی را به صورت الکترونیک فراهم نموده است، تا بدین ترتیب جهانی بیندیشند و جهانی کمایی نمایند.

۸. شفافیت

شفافیت در امر حکومت داری یک اصل برای شهروندان به شمار می رود؛ چنان که این امر در انتخابات کشوری خود را همیشه آشکارا می سازد. تکنالوژی و ازدیاد ارتباطات و وسایل جمعی شهروندان را در قبال مسایل مملکتی و حکومت داری آگاه ساخته است. هر فرد در جامعه خود نظاره گر کارکردهای حکومت و مصروف قضاوت درباره آن ها است. حکومت ها ناگزیر برای ایجاد حس اطمینان برای شهروندان خود در تمام روندهای کاری خود برای ملت شفافیت لازم را به وجود آورند. خدمات الکترونیک عمومی یا حکومت الکترونیک به ترین و کارآمدترین روش برای ایجاد سهولت، تسریع امور و ایجاد شفافیت در حکومت داری به شمار می رود.

حکومت الکترونیک در کشورهای در حال توسعه

افغانستان کشوری است در حال توسعه، در این بخش از تحقیق، با تمرکز بالای کشورهایی در حال توسعه که شباهت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی با افغانستان دارند، به بررسی نقش حکومت الکترونیک بالای فساد اداری تمرکز می‌گردد:

۱. آذربایجان

آذربایجان از سالیان متمادی با مشکل عدم کارایی و فساد در ادارات دولتی با شهروندان رنج می‌برد. خدمات دولتی؛ مانند گرفتن پاسپورت، گرفتن تذکره تابعیت و اخذ جواز رانندگی روزها را در برمی‌گرفت و شفافیت در این زمینه وجود نداشت. برای حل این چنین مشکلات حکومت آذربایجان یک سیستم حکومت الکترونیک را به شکل فرش‌گاه (Azerbaijani Service and assessment Network) یا (ASAN)، که در آن خدمات به‌صورت آنلاین ارائه می‌گردید ایجاد نمود. در این مراکز خدمات به‌صورت آنلاین با حضور متقاضیان و توسط نرم‌افزارها در سراسر کشور خدمات‌رسانی را انجام می‌دادند (Center for public Impact; 2016: 1).

هرکدام از مراکز ASAN روزانه، توانایی ارائه خدمات به ۲۵۰۰ شهروند را دارا بود؛ و ارائه خدمات در این مراکز توانسته بود ۹۸٪ رضایت شهروندان را کسب نماید. بعد از تطبیق این سیستم در آذربایجان رتبه این کشور در سازمان شفافیت جهانی ۲۴ درجه بالا رفت. شایان ذکر است که حکومت افغانستان نیز تعهد خود را برای تطبیق ASAN این نموده است (Center for public Impact, 2016: 3).

۲. هند

هند، کشوری است در جنوب آسیا که نفوس آن از ۱.۳۵ میلیارد تجاوز می‌کند. سطح سواد در این کشور ۷۰-۷۲٪ است و میلیون‌ها نفر دسترسی به تعلیمات و تحصیلات ابتدایی، برق دوام‌دار و کمک‌ها صحی ندارند. هند دارای بزرگ‌ترین دموکراسی دنیا است، و هر پنج‌سال بیش‌تر از ۸۳۰ میلیون انسان رأی خود را برای انتخاب دولت آینده به‌کار می‌گیرند (India Today, 2017: 2). برای مدیریت این پروسه بزرگ، حکومت هند سیستم ماشین رأی‌دهی برقی (Electronic Voting Machines) یا (EVM) را ایجاد نموده است.

این دستگاه ساخت شرکت باهارات بوده و براساس نیازهای هند ساخته شده است. هزینه هر دستگاه ۷۰ الی ۸۵ دالر امریکایی بوده و طول عمر آن در حدود ۱۵ سال می‌باشد؛ بر خلاف سیستم‌ها رأی‌دهی کاغذی نتایج می‌تواند سریع و شفاف در ظرف چندین ساعت اعلان گردد، بر خلاف افغانستان که رأی کاغذی در حدود یک میلیون شهروند در حدود ۶ ماه به طول انجامید.

۳. غنا

غنا کشوری است در غرب افریقا، با نقش حیاتی برای تجارت با همسایه‌گان محصور در خشکۀ خود به خاطر موقعیت جغرافیایی آن. برای افزایش تجارت با همسایه‌گان و بهره‌برداری درست از این تجارت، غنا تغییرات زیادی را در بروکراسی اداری خود برای صادرات و واردات ایجاد نمود. غنا سیستم شبکۀ انجمن غنا (Ghana Community Network) یا (GCNet) را به وجود آورد، تا خدمات سریع و قابل اعتماد را برای همسایه‌گان محاط به خشکۀ خود فراهم سازد. این سیستم مشتریان را قادر می‌سازد تا به شکل الکترونیکی کار خود را به پیش برده و نیازی به فساد اداری وجود نداشته باشد (Twinomurinzi, 2011: 7).

۴. مصر

در سال ۲۰۰۶ حکومت مصر تطبیق یک پروژه‌یی تحت عنوان «سیستم مدیریت اطلاعات و سیستم اطلاعات جغرافیایی» (Management Information System and Geographical Information system) یا (MIS-GIS) را در ایالت توریستی مطروح آغاز نمود. هدف این پروژه، بالابردن ظرفیت ایالت در خدمات سرمایه‌گذاری بود. بعد از یک سال از تطبیق پروژه MIS-GIS، این پروژه با شکست مواجه گردید. بعد از تحقیقات مشخص گردید، که عوامل خود پروژه باعث شکست این پروژه گردیده اند (Twinomurinzi, 2011: 8).

۵. افریقای جنوبی

افریقای جنوبی، دومین اقتصاد بزرگ افریقا بعد از نایجیریا می‌باشد. این کشور کوشش‌های زیادی را برای تطبیق حکومت الکترونیک انجام داده است، که برخی موفق و برخی ناموفق بوده است. درمیان آن پروژه «سیستم ترافیک اطلاعات برقی ملی» (Electronic National Traffic Information System) یا (eNaTIS) یک پروژه بلندپروازانه به حساب می‌رود. در ابتدای کار eNaTIS بسیار به کُندی کار می‌کرد. این خود ارائه خدمات دولتی را کندتر ساخت و ارائه خدمات بسیار به کُندی انجام می‌شد. بعدها مشخص گردید، که داتابیس آن به حدی کارا و قوی نبوده تا بتواند جواب‌گوی همه این نیازها باشد. بعد از آن این سیستم توسط حکومت تقویه گردید و در جنوری سال ۲۰۰۹، درخواست در این سیستم ثبت و پاسخ داده شد (Naidoo, 2012: 2).

مزایای حکومت الکترونیک

مزایای حکومت الکترونیک را در مرحله اول می‌توان به دو دسته بزرگ تقسیم نمود. نخست، حکومت و دوم، شهروندان و تجارت‌ها (الحمدی؛ ۱۳۹۷: ۲۳). اینک به صورت مختصر به هر یک آن‌ها اشاره می‌گردد:

ابتدا برای حکومت‌ها:

- ۱.۱. کاهش اشتباهات؛
 - ۱.۲. افزایش کیفیت تصمیم‌گیری؛
 - ۱.۳. افزایش ظرفیت حکومت؛
 - ۱.۴. صرفه‌جویی در زمان؛
 - ۱.۵. صرفه‌جویی در هزینه؛
 - ۱.۶. پروسه‌های اتومات یا خودکار؛
 - ۱.۷. کاهش بروکراسی؛
 - ۱.۸. افزایش اعتماد؛
 - ۱.۹. کاهش فساد اداری؛
 - ۱.۱۰. افزایش تولید و کارایی در ادارات دولتی.
- در مقابل برای شهروندان و تجارت‌ها مزایای ذیل را شامل می‌شود:
- ۲.۱. کاهش واسط (دلال) در معاملات؛
 - ۲.۲. زمان دسترسی به خدمات ۷/۲۴؛
 - ۲.۳. افزایش اعتماد؛
 - ۲.۴. افزایش شفافیت؛
 - ۲.۵. افزایش دسترسی به اطلاعات؛
 - ۲.۶. افزایش کیفیت خدمات ارائه‌شده.

معایب و موانع حکومت الکترونیک

حکومت الکترونیکی با وجود مفهوم ساده، مشکلات زیادی برای حکومت‌ها دارد. مشکل اصلی در روش طراحی نیست؛ بل که ارائه خدمات به روش مناسب. معضل اول حکومت‌ها است. حکومت‌ها باید به‌عنوان یک مجموعه، قادر باشند اطلاعات دیجیتالی را به خوبی دریافت کنند و زمینه‌های فنی لازم را برای ارتباطات واحدهای مختلف کشوری با هم‌دیگر، و هم‌کاری بخش خصوصی و حکومتی فراهم سازند. مشکل دیگری که وجود دارد، فرهنگ و ذهنیت مردم است. تغییر ذهنیت و فرهنگ سنتی در مورد استفاده از خدمات، هزینه زیادی خواهد داشت.

فراهم کردن فضای مناسب، دور نگه‌داشتن آن از استفاده‌های نامناسب، و فقدان تخصص لازم در انجام تغییرات سریع در تکنالوژی از مشکلات دیگر به حساب می‌آید. معضل اساسی دیگر حکومت‌ها، ایجاد روش‌های قانونی مناسب برای تجارت الکترونیکی است؛ چون دنیا در حال حاضر

به طرف اقتصاد جهانی دیجیتالی حرکت می‌کند؛ با این وضعیت، هرگونه مغایرت قانونی در تجارت‌های بین‌المللی بیش‌تر نمود پیدا می‌کند. در این مسیر، حکومت‌ها با مشکل مربوط به مالیات بر تجارت الکترونیکی و نحوه کنترل آن، امضای الکترونیکی قراردادهای تجاری و کنترل بر برنامه‌های رمزنویسی قوی مواجه هستند. تحقیقات در زمینه شش عامل مهم ذیل را از موانع عمده در فرا راه حکومت الکترونیک بیان می‌دارد (لگزیان؛ ۱۳۹۵: ۷۶۱):

۱. موانع سازمانی: موانعی موجود در ساختار سازمان مرتبط با روابط داخلی یا خارجی که در مقابل تحقق حکومت الکترونیک مقاومت می‌نمایند؛
۲. موانع سیاسی: موانعی که توسط افراد یا گروه‌هایی سیاسی که تصمیم‌گیرنده در زمینه تطبیق حکومت الکترونیک هستند به وجود می‌آید. قابل ذکر است که تطبیق حکومت الکترونیک نیازمند پشتوانه قوی افراد و احزاب سیاسی را نیاز دارد و در صورت عدم موجودیت چنین جریانی تطبیق حکومت الکترونیک کاری بسا دشوار است؛
۳. موانع فرهنگی: موانع موجود در فرهنگ سازمانی که اهداف و ارزش‌ها آن را مشخص می‌کند، خود می‌تواند یکی از موانع بزرگ در تطبیق حکومت الکترونیک گردد؛
۴. موانع لجستیکی: نبود منابع لازم و کافی، کمبود بودجه در زمینه تطبیق حکومت الکترونیک و نبود تخصص می‌تواند، که به شکست حکومت الکترونیک بینجامد؛
۵. موانع قانونی: تشوشات درباره امنیت و حفظ حریم خصوصی یکی دیگر از موانع بیان گردیده است؛
۶. موانع تکنالوژی: نبود تکنالوژی برای تطبیق حکومت الکترونیک خود بزرگ‌ترین معضل در زمینه می‌باشد.

وضعیت افغانستان در بخش خدمات الکترونیک و مبارزه با فساد اداری

باتوجه اثرات منفی فساد اداری و وضعیت کشور مان افغانستان لازم است تا در زمینه فساد اداری تعمق بیش‌تری صورت پذیرد؛ چرا افغانستان امروزه این‌گونه آغشته با فساد اداری شده است؟ سؤالی است که باید به آن پاسخی پیدا نمود. بعد از ایجاد دولت افغانستان به شکل کنونی آن در زمان امیر عبدالرحمن خان (۱۸۸۰-۱۹۰۱)، تا کنون افغانستان با معضله بزرگ ملوک‌الطوایفی دست به گریبان است. این بدان معنی است که حکومت‌ها محلی و حتا قبایل در برابر حکومت واحد سر تعظیم فرود نیاورده و در برابر قانون پاسخگو نبوده‌اند. از همان زمان می‌توان گفت ریشه‌های قانون‌گریزی و فساد اداری در کشور بنا نهاده شده است (Dupree & Ali, 2018: 2).

فساد اداری در افغانستان به شکل انفرادی، سازمانی و سیستماتیک وجود دارد. برای نمونه می‌توان انتخابات ریاست جمهوری سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۴ را نام برد. انتخابات بر اساس اوراق رأی‌دهی و عدم استفاده از سیستم‌های دیجیتالی، مصارف و زمان زیادی را برای حکومت در پی داشت، و هم با باطل شدن ۱.۳ میلیون آرای شهروندان، زمینه به‌وجود آمدن حکومت وحدت ملی مساعد شد که می‌توان گفت انتخاباتی در کشور اصلاً برگزار نگردید (Gall, 2014: 3).

مهم‌ترین عامل در بحث فساد اداری در افغانستان، کمک‌های مالی کشورهای دارای منافع استراتژیک مشترک در افغانستان می‌باشد. ابتدا آیا این کمک‌ها مؤثر بوده و در قدم بعدی در صورت عدم مؤثریت آیا کشورهای کمک‌کننده تمایل به ادامه کمک خواهند داشت؟

تنها عامل فساد در حکومت جدید، تنها مرتبط با افغان‌ها نبوده؛ بل که شرکای خارجی نیز در زمینه دخیل بوده‌اند و تحقیقات اداره بازرسی ویژه برای بازسازی افغانستان یا SIGAR نشان می‌دهد که ارتش امریکا برای خریداری ۳۳ پایه دبه ضدحریق ۵۱ هزار دالر به قراردادکننده پرداخت نموده؛ درحالی‌که قیمت حقیقی آن در حدود ۲ هزار دالر بوده است (Boyer, 2015).

به هر حال، آینده کمک‌های مالی به افغانستان، به مبارزه این کشور با فساد اداری مرتبط است و حکومت تنها راه حل را در تطبیق حکومت الکترونیک می‌داند. توزیع تذکره الکترونیک، رأی‌دهی و انتخابات الکترونیک، خدمات صحت الکترونیک، پاسپورت الکترونیک، توزیع قبالة مالکیت الکترونیک و ساخت ۸۰ وب‌سایت برای ادارات دولتی، اراده حکومت را در تطبیق خدمات الکترونیک و مبارزه با فساد نشان می‌دهد.

باوجود تمام این مباحث و کارهای انجام‌شده برای پیاده‌سازی و تطبیق حکومت الکترونیک در افغانستان، کار این کشور در محو و ریشه‌کن کردن فساد اداری دشوار به نظر می‌رسد. ممکن حکومت الکترونیک بتواند بروکراسی اداری، رشوه، ضیاع زمان و ... را کاهش دهد و کنترل نماید؛ اما نبود سیاست دقیق، امنیت، امکانات و به خصوص موجودیت ملوک‌الطوایفی، بزرگ‌ترین چالش در برابر حکومت الکترونیک پنداشته می‌شود.

نتیجه‌گیری

با نگاهی دقیق به موضوع فساد اداری و حکومت الکترونیک در مقالات، کتب و مجلات دریافتم که بحث فساد اداری به نگرشی بسیار دقیق و ژرف نیازمند است. حکومت الکترونیک یک پدیده نو به‌شمار می‌آید؛ اما فساد اداری به اندازه قرن‌ها عمر دارد. حکومت الکترونیک با سهولت‌های زیادی در برابر بروکراسی اداری قد علم نموده است؛ اما این تنها بروکراسی اداری نیست که به‌وجودآورنده فساد باشد. فساد اداری می‌تواند در بعدهای بسیاری وجود داشته باشد و نیاز است تا هرکدام آن‌ها

به صورت دقیق بررسی شود؛ با آن هم حکومت الکترونیک با فرایندهای آن توانسته در این مدت کوتاه دست آوردهای بزرگ داشته باشد.

ابداع اینترنت و به تبع آن ایجاد شکل و نسل جدیدی از ارتباطات سازمان‌ها و بانگاه‌ها، به خصوص بخش خصوصی را واداشت تا برای سود بیش‌تر از آن‌ها استفاده نمایند. این تحول عظیم در ارائه خدمات و کارایی بالای آن دولت‌ها را نیز وادار نمود، تا در زمینه ایجاد حکومت الکترونیک به تکاپو بیفتند. رشد انتظارات عمومی، نسل جوان، صرفه‌جویی در هزینه و زمان، جهانی‌شدن، رشد تکنالوژی، رشد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این راستا، رشد استفاده از اینترنت و نیاز به شفافیت مقدمات و الزامات ایجاد حکومت الکترونیک را بنا نهاد.

حکومت الکترونیک با کاهش اشتباهات، افزایش کیفیت تصمیم‌گیری، افزایش ظرفیت حکومت، صرفه‌جویی در زمان، صرفه‌جویی در هزینه، پروسه‌های اتومات یا خودکار، کاهش بروکراسی، افزایش اعتماد، کاهش فساد اداری، افزایش تولید و کارایی در ادارات برای حکومت‌ها و در مقابل با کاهش واسطه (دلال) در معاملات، زمان دسترسی به خدمات ۷/۲۴، افزایش اعتماد، افزایش شفافیت، افزایش دسترسی به اطلاعات، افزایش کیفیت خدمات ارائه‌شده برای شهروندان در زمینه‌ی از بین بردن فساد اداری، یک شیوه مناسب حکومت‌داری می‌باشد.

حکومت افغانستان از دیرزمان بدین سو، با مسأله فساد اداری روبه‌رو است؛ اما بعد از ایجاد دوره جدید و ظهور رسانه‌های جمعی، این به بزرگ‌ترین معضل برای کشور تبدیل گشته است. حکومت برای محو این پدیده ناپسند و جلب کمک‌های مالی کشورها و شرکای استراتژیک خود یک سلسله فعالیت‌ها را انجام داده است. توزیع تذکره تابعیت الکترونیک، توزیع پاسپورت الکترونیک، برگزاری انتخابات الکترونیک و توزیع قبالة ملکیت الکترونیک، نمونه‌های بارز این ادعا است. باید خاطر نشان ساخت، افغانستان در زمینه پیاده‌سازی و تطبیق حکومت الکترونیک، راه طولانی را در پیش دارد و توقع این که با تطبیق حکومت الکترونیک در آینده نزدیک معضل فساد اداری از بین خواهد رفت، بعید به نظر می‌رسد.

سرچشمه‌ها

۱. الحمدی، اخلاص شرف. (۱۳۹۷). «نقش حکومت الکترونیک در مبارزه با فساد اداری در سکتور عمومی یمن». رساله ماستری. دانش‌گاه سبا. بخش تحصیلات تکمیلی.
۲. پوراسماعیل، حسن، رجبی، ابوالقاسم و بنار، محسن. (۱۳۹۷). «بررسی لایحه بودجه سال ۱۳۹۸ کل کشور» بخش حکومت الکترونیک.

۳. جلالی فراهانی، علیرضا. (۱۳۸۰). «خدمات دولتی و ارتباطات الکترونیکی». تهران: ماهنامه آموزشی، پژوهشی و اطلاع‌رسانی، سال دوم، شماره ۱۸.
۴. دعائی، حبیب الله و رضائی، یوسف. (۱۳۸۸). «عوامل و ریشه فساد اداری از دیدگاه اسلام». همایش ملی پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه. ایران. ارومیه.
۵. رجبی، ابوالقاسم. (۱۳۹۴). «مبانی نظری توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات و کاربرد آن در برنامه پنج ساله ششم». ایران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
۶. رضایی، کمال. (۱۳۹۷). «دولت الکترونیک چیست؟». قابل دسترس در تارنمای:
<https://arvandfreezone.com/ict/> [1399,09,29].
۷. صالحی، مهسا و زرنندی، سعید. (۱۳۹۴). «نقش تأمین و تدارکات الکترونیک در مبارزه با فساد اداری». ایران. فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، ۲۷-۳۷، سال چهارم، شماره یازدهم و دوازدهم.
۸. سازمان جهانی شفافیت. (۱۳۹۹). «جایگاه افغانستان در فساد اداری». قابل دسترس در تارنمای:
<https://tradingeconomics.com/afghanistan/corruption-rank>.
 [1399.09.29].
۹. لگزبان، محمد. (۱۳۹۵). «از تجارت سنتی و بروکراسی آن تا حکومت الکترونیک». رساله دکتری. انگلیس. با رهنمایی وود هارپر ترپور. فصلنامه Management Information in the Digital Economy. ۷۶۰-۷۷۰.
۱۰. محمدی مقدم، یوسف، شیخ الاسلامی، نادر و امامی، داریوش. (۱۳۹۴). «تأثیر انعطاف‌پذیری ساعات کاری بر تعهد شغلی کارکنان ستادی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی». ایران: ماهنامه اجتماعی، اقتصادی، علمی و فرهنگی کار و جامعه، شماره ۱۸۳، ۵۰-۷۴.
۱۱. نوری، سید مصطفی. (۱۳۹۸). «نقش حکومت الکترونیک در مبارزه با فساد اداری». (مطالعه موردی: افغانستان). رساله ماستری. با رهنمایی مرگارد کریستف. دانشگاه Hochschule Furtwangen.
۱۲. روزنامه India Today. (۲۰۱۷). قابل دسترس در تارنمای:
<https://www.indiatoday.in/india/story/all-you-need-to-know-about-electronic-voting-machine-969155-2017-04-03>. [1399.09.25].
۱۳. قابل دسترس به‌صورت آنلاین. در تارنمای: Center for Public Impact (2016):
 ASAN
<https://www.centreforpublicimpact.org/case-study/azerbaijani-service-and-assessment-networkasan/>.

14. Boyer, Dave (6/13/2015): Afghanistan Power Plant. Washington Times. <https://www.washingtontimes.com/news/2015/aug/13/us-funded-power-plant-in-afghanistan-isbarely-use/>, [1399,09,23].
15. D. Turkoglu, C. Alaca and C. Yildiz, Compatible maps and compatible maps of type (α) and (β) in intuitionistic fuzzy metric spaces, *Demonstration Math.* 39 (3) (2006), 671–684.
16. Dupree, Nancy Hatch; Ali, Mohammad (2018): Physiotherapists in Afghanistan. Exploring, encouraging and experiencing professional development in the Afghan development context. 1-22.
17. Gall, Carlotta (8/23/2014): In Afghan Election, Signs of Systemic Fraud Cast Doubt on Many Votes. The New York Times. <https://www.nytimes.com/2014/08/24/world/asia/inafghan-election-signs-of-systemic-fraud-cast-doubt-on-many-votes.html>. [1399,09,28].
18. Naidoo, A. (June 2012). Electronic National Traffic Information System in South Africa, barriers and benefits. 1-18.
19. Scholz RW, Stauffacher M (2002). Our landscape is our capital: Overview of the ETH-UNS case study "Landscape use for the future: the Appenzell Ausserrhoden case". Zurich, pp 13-47.
20. Twinomurinzi, Hossana; Tagoe, Kow (2011): CORRUPTION IN DEVELOPING COUNTRIES AND ICT: THE URGENT NEED FOR WORK SYSTEMS TO PRECEDE E-GOVERNMENT.1-16.